



کتابخانه
تخصصی
ادبیات

پژوهشگر ارجمند

برخی از صفحات کتاب حاضر (شناسنامه، فهرست و تعداد کمی از صفحات آغازین کتاب) برای استفاده بهتر و آشنایی بیشتر شما با کتاب بارگذاری شده است.

بدیهی است به دلیل رعایت حقوق مولف و ناشر تمام صفحات کتاب در دسترس نخواهد بود.

[illegible]

نفل صوف

دکتر محمد کاظم یوسف پور

نقد صوفی

بررسی انتقادی تاریخ تصوف با تکیه بر اقوال
صوفیان تا قرن هفتم هجری

نوشته

دکتر محمد کاظم یوسف پور

یوسف‌پور، محمدکاظم، ۱۳۴۱-
نقد صوفی بررسی انتقادی تاریخ تصوف با تکیه بر اقوال صوفیان تا قرن هفتم هجری / نوشته محمدکاظم
یوسف‌پور - تهران: روزنه، ۱۳۸۰

ISBN: 978-964-334-055-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.

۱. تصوف -- تاریخ. ۲. تصوف -- نقد و تفسیر. الف. عنوان. ب. عنوان: بررسی انتقادی تاریخ تصوف با
تکیه بر اقوال صوفیان تا قرن هفتم هجری.

۲۷۵ / ۹ ن ۷ ۲۹۷/۸۹

کتابخانه ملی ایران

۸۰-۲۳۰۶۳ م



نقد صوفی

بررسی انتقادی تاریخ تصوف با تکیه بر اقوال صوفیان تا قرن هفتم هجری

نویسنده: دکتر محمدکاظم یوسف‌پور

طرح جلد: رضا عابدینی

چاپ دوم: ۱۳۹۵

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: دفتر فنی دانشجو

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه سوم، انتشارات روزنه

☎ تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱ - ۸۸۸۵۳۷۳۰ 📠 نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

🌐 سایت: www.rowzanehnashr.com

ISBN: 978-964-334-055-1

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۰۵۵-۱

☀ تمام حقوق برای ناشر محفوظ است ☀

فهرست مطالب

۷ فهرست تفصیلی
۲۱ پیشگفتار
	بخش اول : از ریشه‌ها تا شاخه‌ها
۲۷ فصل اول : پیدایش و سیر تصوف تا قرن هفتم
۵۱ فصل دوم : نقد بیرونی و درونی تصوف
۷۹ فصل سوم : مکتب‌ها و سلسله‌های تصوف
	بخش دوم : نقد تصوف نظری
۱۳۳ فصل اول : توحید
۱۸۳ فصل دوم : عشق
۲۰۹ فصل سوم : ولایت
۲۳۵ فصل چهارم : مباحث پراکنده
	بخش سوم : نقد تصوف عملی
۲۵۹ فصل اول : سماع
۲۹۷ فصل دوم : مباحث پراکنده
۳۵۳ یادداشت‌ها و مآخذ
۴۲۳ فهرست‌ها و کتاب‌شناسی

فهرست تفصیلی

پیشگفتار	۲۱
بخش اول : از ریشه‌ها تا شاخه‌ها	

فصل اول : پیدایش و سیر تصوف تا قرن هفتم

۱- زمینه‌های فطری و سیاسی - اجتماعی تصوف	۲۷
۱-۱- از زاهدان نخستین تا پیدایش نام صوفی	۲۸
۱-۲- سخنی در رواج نام صوفی پیش از ظهور اسلام	۲۹
۱-۳- افراط در بیان سابقه آداب تصوف	۲۹
۱-۴- نقش متکلمان و متشرعان در پیدایش تصوف	۳۰
۱-۵- تشکیل صوفیه و جدایی آنان از دیگر اقشار جامعه	۳۱
۲- سیر تصوف تا قرن هفتم	
۱-۲- ریشه‌های تصوف در قرن اول و دوم	۳۲
۱-۱-۲- نقش رابعه عدویه در تحول تصوف	۳۲
۱-۲- پیوستن تعدادی از دانشمندان به زمره اهل تصوف و آغاز	
تأویل احکام شریعت و تفرقه در میان صوفیان	۳۳
۲-۲- تحکیم مبانی نظری تصوف در قرن سوم	۳۴
۱-۲-۲- تأثیر اندیشه‌های رواقی و ایرانی باستان در تصوف	۳۴
۲-۲-۲- اقبال عام به صوفیان، ظهور اندیشه‌های نو و پیدایش فرقه ملامتیه ..	۳۵
۲-۲-۳- مشایخ بزرگ قرن سوم	۳۵
۳-۲- قرن چهارم و تقسیم سلوک به سه مرحله شریعت،	
طریقت و حقیقت؛ و گسترش کتب تعلیمی	۳۶
۱-۳-۲- تأثیر مخالفت فقها و متشرعین و ظهور آل‌بویه در جریان تصوف ..	۳۶
۲-۳-۲- مشایخ بزرگ قرن چهارم	۳۷
۴-۲- قرن پنجم و نقش دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در تصوف	۳۸
۱-۴-۲- نزدیکی طریقت و شریعت و نقش امام محمد غزالی در آن	۳۸
۲-۴-۲- صوفیان میانه‌رو و پیروان مکتب عاشقانه تصوف	۴۰

- ۳-۴-۲- نزدیکی صوفیان به سلاطین، رواج خانقاهها و فزونی تعصبات
 ۴۱ فرقه‌ای
 ۴-۴-۲- توجه صوفیان به شعر و نقش ابوسعید ابوالخیر ۴۱
 ۵-۴-۲- مشایخ بزرگ قرن پنجم ۴۲
 ۵-۲- قرن ششم، اوضاع سیاسی-اجتماعی، و تنگناها ۴۲
 ۱-۵-۲- رواج بیشتر شعر صوفیانه، تعدد خانقاهها، و عامه‌پسند شدن تصوف ۴۴
 ۲-۵-۲- نزاعهای دینی و پیدایش اندیشه صلح کل ۴۵
 ۳-۵-۲- تحکیم مبانی عرفان نظری به تأثیر از اندیشه‌های فلسفی و کلامی ۴۵
 ۴-۵-۲- مشایخ بزرگ قرن ششم ۴۶
 ۶-۲- قرن هفتم، فتنه مغول و رواج بیش از پیش تصوف ۴۶
 ۱-۶-۲- نقش مؤثر ابن عربی در تصوف این قرن ۴۷
 ۲-۶-۲- فزونی شمار و اعتبار خانقاهها و تأثیر آن در انشعاب صوفیان ۴۷
 ۷-۲- خلاصه‌ای از سیر تصوف از آغاز تا قرن هفتم ۴۸

فصل دوم: نقد بیرونی و درونی تصوف

- ۱- مدخل: ملامت کشیهای صوفیه ۵۱
 ۲- نقد اهل سنت، بویژه حنابله، بر تصوف ۵۱
 ۱-۲ تا ۸-۲- انتقادهای ابن جوزی بر صوفیه ۵۲
 ۳- نقد شیعه بر صوفیه و نقل سخنانی از ائمه (ع) ۵۷
 ۱-۳ تا ۴-۳- نقد علمای متقدم و متأخر شیعه بر صوفیه ۵۸
 ۴- انتقادات کلی مشایخ بر یکدیگر ۶۰
 ۱-۴ تا ۵-۴- نمونه‌هایی از انتقادات مشایخ بر یکدیگر، از آغاز تا قرن هفتم ۶۱
 ۵- نقد صوفیه بر جریان تصوف زمان خود ۶۶
 ۱-۵ تا ۳-۵- نمونه‌هایی از انتقادهای مشایخ تا قرن پنجم ۶۷
 ۱-۳ تا ۲-۳-۵- هجویری، بزرگترین نقاد صوفیه در قرن پنجم ۷۰
 ۴-۴ تا ۱-۴-۵- قرن ششم: انتقاد سنایی و شیخ احمد جام ۷۱
 ۵-۵ تا ۴-۵-۵- قرن هفتم: انتقادهای عطار، سهروردی، شمس،
 مولانا و سعدی ۷۵

فصل سوم: مکتب‌ها و سلسله‌های تصوف

- ۱- مدخل: مهمترین دلایل بروز اختلاف در میان صوفیه ۷۹
 ۲- تصوف شیعی و سنی، زمینه‌های پیدایش ۸۰
 ۱-۲- همبستگی تصوف و تشیع و مشایخ بزرگ شیعی در قرون اولیه ۸۱
 ۳ تا ۳-۳- مکتب عراق و مکتب خراسان، ویژگیهای این دو مکتب

- و نقد مشایخ آنها بر یکدیگر ۸۲
- ۴- تصوف مغرب، بنیانگذار، سلسله‌ها و تفاوت‌های آن با تصوف ایران ۸۶
- ۵- سلسله‌های صوفیه، دلایل پیدایش ۸۶
- ۵-۱- معرفی هجویری از سلسله‌های دوازده گانه تصوف زمان خود ۸۷
- ۵-۲- قادریه: بنیانگذار و آثار او ۸۹
- ۵-۳- رفاعیه: معرفی بنیانگذار ۹۰
- ۵-۴ تا ۵-۵- کبرویه: بیان اهمیت و شرح احوال و آثار بنیانگذار آن ۹۰
- ۵-۵ تا ۵-۲- سهروردیه: بنیانگذار، اصول طریقت، مروجان،
تأثیر سهروردی و آثارش و انشعابات ۹۳
- ۵-۶- چشتیه: بنیانگذار، پیروان و انشعابات ۹۵
- ۵-۷- شاذلیه: بنیانگذار، پیروان و انشعابات ۹۵
- ۵-۸ تا ۵-۲- مولویه ۹۶
- ۵-۹ تا ۵-۳- اکبریه و قونویه: ابن عربی و تأثیر او، شرح احوال
و آثار و تأثیر اندیشه‌های او در تصوف ۹۹
- ۶- ملامتیه: زمینه‌های پیدایش ۱۰۲
- ۶-۱- بنیانگذاران ملامتیه و رشد آن در زمینه مکتب خراسان ۱۰۳
- ۶-۲- مقابله ملامتیه با کرامیان نیشابور و جریان تصوف متشرعانه ۱۰۴
- ۶-۳ تا ۶-۱- سابقه اندیشه و اعمال ملامتیه در مشایخ پیشین ۱۰۶
- ۶-۴ تا ۶-۳-۴- مشایخ ملامتیه: ابو حفص حداد، حمدون قصار،
یوسف بن حسین، ابو عمرو نجید، و میره نیشابوری ۱۰۶
- ۷- ملامتیه: افراط ملامتیان در مقابله باریا و در آمیختن آنان با قلندران و فقیهان ۱۰۹
- ۷-۱- خلاصه‌ای از سیر تاریخی نقد ملامتیه ۱۰۹
- ۷-۲- شرح رسم و راه ملامتیه و نقد آن توسط هجویری ۱۱۰
- ۷-۳- نقد امام قشیری و سهروردی ۱۱۱
- ۷-۴- تمجید ابن عربی از ملامتیه ۱۱۲
- ۸- قلندریه: پیروان بی قید و افراط کار ملامتیه ۱۱۲
- ۸-۱- رواج، پراکندگی جغرافیایی و پیشوایان قلندریه ۱۱۳
- ۸-۲- تفاوت رسم و راه قلندریه با ملامتیه ۱۱۳
- ۸-۳- تحزب قلندریه در قرن هفتم و نقش جمال‌الدین ساوجی ۱۱۴
- ۸-۴- رواج قلندریه در قرن هفتم و یادی از جولقیان ۱۱۵
- ۸-۵- دیگر قلندران ۱۱۶
- ۹ تا ۹-۳- نقد قلندریه: خرده گیران بر راه و رسم آنان: سعدی، اوحدی
و عزالدین محمود کاشانی ۱۱۶
- ۹-۴ تا ۹-۶- حامیان قلندریه: سنایی، عطار و عراقی ۱۱۸

- ۱۰- فتوت: تصوفی عامیانه و ساده ۱۱۹
- ۱-۱ تا ۱۰-۱-۲- پیشینه فتوت، مربوط بودنش به اندیشه‌های
مانوی و آیین عیاری، قیامهای جوانمردان، و رابطه فتوت و تشیع. ۱۲۰
- ۱-۱۰-۲- آداب و معانی رمزی آن، ارکان، سنن، احکام و واجبات اهل فتوت ۱۲۱
- ۱-۱۰-۳- سلسله‌ها، پراکندگی جغرافیایی ۱۲۲
- ۱-۱۰-۴- سیرتاریخی فتوت از دوره ساسانی تا قرن سوم هجری ۱۲۳
- ۱-۱۰-۴-۱- خاستگاه اجتماعی و پیوند اهل فتوت با ملامتیه ۱۲۳
- ۱-۱۰-۴-۲- فتوت در قرن چهارم و بروز تعصبات دینی در میان فتیان ۱۲۴
- ۱-۱۰-۴-۳- فتوت در قرن پنجم، ظهور فرقه احداث در شام ۱۲۵
- ۱-۱۰-۴-۴- گرایش اهل فتوت به فاطمیان مصر و دشمنی خلافت عباسی
با آنان ۱۲۵
- ۱-۱۰-۵-۴ تا ۱۰-۶- فتوت در قرن ششم: دوران خلیفه الناصر لدین الله،
و در آسیای صغیر ۱۱۲۶
- ۱-۱۰-۷-۴- فتوت در قرن هفتم، پیوند آن با آداب زورخانه ۱۲۸
- ۱۱-۱ تا ۱۱-۱-۱- نقد فتوت: زمینه‌های بروز فساد در میان فتیان و
نقد اوحدی مراغه‌ای بر فتیان زمان خود ۱۲۸

بخش دوم: نقد تصوف نظری

فصل اول: توحید

۱- مدخل: اهمیت توحید در اسلام و سیر تدریجی مفهوم آن از

- سادگی به پیچیدگی ۱۳۳
- ۱-۱- توحید عارفان، فراتر رفتن آن از حد ادراک عقلی ۱۳۳
- ۱-۲- مراتب سه یا چهارگانه توحید به تناسب مراتب سلوک ۱۳۴
- ۱-۳- تقسیم توحید به مراتب ایمانی، علمی، حالی و الهی ۱۳۵
- ۱-۴-۱- فناء فی الله، تعریف و مراتب آن ۱۳۶
- ۱-۴-۱- رابطه فنا با تجلی و مراتب آن ۱۳۷
- ۱-۴-۲- کوشش عارفان در روشنگری مفهوم فناء فی الله ۱۳۷
- ۱-۵-۱- حلول و اتحاد: رابطه آن با فناء فی الله و اختلاف اقوال صوفیه در آن. ۱۳۹
- ۱-۵-۱- نقد ابن‌نصر سراج و نجم‌الدین رازی بر حلولیان ۱۴۰
- ۱-۵-۲- عین‌القضاة همدانی و اعتقاد به حلول ۱۴۰
- ۱-۵-۳- سخنی در باره مفهوم اتحاد با استناد بر گفته‌های نسفی و عطار ... ۱۴۱
- ۱-۵-۴- تلاش مولانا در تفهیم اتحاد و نقد شمس تبریزی بر مدعیان آن .. ۱۴۲
- ۲- شطح، ارتباط آن با فناء فی الله و سخن عین‌القضاة در تعریف آن ۱۴۳

فهرست تفصیلی / ۱۱

- ۱-۲-۱- تلاش صوفیه در تفسیر شطحیات: شرح جنید بر شطح بایزید ۱۴۴
- ۱-۲-۱-۲- روزبهان بقلی و تلاش او در شرح شطحیات مشایخ پیشین ۱۴۴
- ۲-۲- نقد برخی از صوفیه بر شطاحان و شطح را نتیجه رعونت
نفس دانستن ۱۴۵
- ۲-۲-۱- تا ۲-۲-۳- نقد حارث محاسبی، محمد خفیف، سنایی و
شمس تبریزی بر شطاحان ۱۴۶
- ۳-۱-۱- الحق: حلاج و موضع گیری صوفیه در قبال او ۱۴۸
- ۳-۱-۲- تا ۳-۱-۳- ارتداد حلاج در نظر بسیاری از صوفیان معاصر
و رد و طرد او ۱۴۹
- ۳-۲-۱- اختلاف مشایخ در رد و قبول حلاج ۱۵۰
- ۳-۳-۱- تا ۳-۳-۳- بحثی در اتهامات حلاج: جادوگری، دعوی ربوبیت،
عشق الهی، و تبدیل حج و دیگر عبادات ۱۵۱
- ۳-۴-۱- افشای سرالهی، بزرگترین گناه حلاج از دید عارفان ۱۵۴
- ۳-۴-۲- شیفتگی عطار بر حلاج و انعکاس آن در آثارش ۱۵۶
- ۳-۴-۳- نقد و انکار شمس تبریزی بر حلاج ۱۵۷
- ۳-۴-۴- ارادت مولانا به حلاج ۱۵۸
- ۳-۵-۱- وضع پیروان حلاج پس از قتل او، در اهواز، خراسان و عراق ۱۵۹
- ۳-۶-۱- دوستان حلاج در میان سلسله ها و صوفیان قرون بعد ۱۶۰
- ۴-۱- وحدت وجود: سابقه این اندیشه در هند، یونان و ایران باستان ۱۶۱
- ۴-۱-۲- تقریر نظریه وحدت وجود با استفاده از تمثیل نور و مراتب آن ۱۶۲
- ۴-۱-۳- رفع گمان «همه خدایی» که نظریه وحدت وجود بدان متهم
شده است ۱۶۲
- ۴-۱-۴- استفاده ابن عربی از تمثیل در تقریر این نظریه ۱۶۳
- ۴-۱-۵- تلاش شارحان اندیشه های ابن عربی در تقریر این نظریه ۱۶۵
- ۴-۲-۱- نقد نظریه وحدت وجود: دلایل مخالفت متشرعان با این نظریه ۱۶۶
- ۴-۲-۲- وحدت وجود و وحدت موجود ۱۶۶
- ۴-۲-۳- نقد شمس تبریزی و مولانا بر ابن عربی ۱۶۷
- ۵-۱- ضرورت رابطه آن با توحید و پاسخهای فلسفی در باره این مسئله ۱۶۸
- ۵-۱-۲- موضع اهل ادیان در برابر ضرورت ۱۶۸
- ۵-۲-۱- مقابله عارفان با مسئله ضرورت و بحث اعتذار ابلیس ۱۶۹
- ۵-۲-۲- دفاع حلاج از ابلیس و دلایل او در توجیه سرپیچی او از امرالهی ۱۷۰
- ۵-۲-۳- احمد غزالی، میراث دار اندیشه حلاجی در باره ابلیس ۱۷۱
- ۵-۳-۱- نشانه هایی از این اندیشه در تفسیر کشف الاسرار ۱۷۲
- ۵-۳-۲- عین القضاة و کمال نهایی این اندیشه در عرفان اسلامی ۱۷۳

- ۵-۲-۵- نظر معاصران احمد غزالی و ذکر غزلی از سنایی ۱۷۵
 ۵-۲-۶- عطار و ماجرای اعتذار ابلیس ۱۷۶
 ۵-۲-۷- نظر معتدل مولانا در باره اعتذار ابلیس ۱۷۷
 ۵-۳-۱- ایمان فرعون: طرح این نظریه توسط حلاج و بازگویی آن
 توسط ابن عربی ۱۷۹
 ۵-۳-۱- نظر مولانا در این باب و تفاوت آن با نظر پیشینیان ۱۸۰

فصل دوم : عشق

- ۱- مدخل: اهمیت عشق در تصوف و تعریف ناپذیری آن ۱۸۳
 ۱-۱- عشق وصف خداوند است ۱۸۳
 ۱-۲- سریان عشق در عالم هستی و ذکر از پیشینه این اندیشه ۱۸۴
 ۲- عشق و حسن: رابطه این دو و ظهور حسن معشوق در آینه عشق عاشق ۱۸۵
 ۱-۲-۲- تأثیر اندیشه‌های افلاطون در این باب بر فلاسفه و
 عارفان مسلمان ۱۸۶
 ۳- عشق و توحید: عشق، تنها وسیله وصول به توحید عرفانی ۱۸۸
 ۱-۳-۱- رابطه عشق و فناء فی الله و ادب عاشقی و رابطه عشق با شطاحی ۱۸۸
 ۴- درجات و مراتب عشق، با تکیه بر سخنان افلاطون ۱۹۰
 ۱-۴-۱- مراتب عشق از نظر عارفان مسلمان ۱۹۰
 ۲-۴-۲- رابطه عشق مجازی با عشق حقیقی با توجه به نظر افلاطون ۱۹۱
 ۳-۴-۳- عشق مجازی از دید عارفان مسلمان می‌تواند مقدمه عشق الهی باشد ۱۹۱
 ۴-۴-۴- عشق مجازی، پرتوی از عشق حقیقی و پاسخی به نیاز کمال‌جویی
 انسان ۱۹۳
 ۱-۵- اختلاف مشایخ در عشق: عشق از نظر پیروان مکتب زاهدانه تصوف ۱۹۳
 ۱-۵-۱- جواز عشق از نظر پیروان مکتب عاشقانه تصوف ۱۹۴
 ۲-۵-۲- اختلاف مشایخ در تقدم و تأخر محبت و معرفت ۱۹۵
 ۶- شاهدبازی: از ویژگیهای تصوف عاشقانه ۱۹۶
 ۱-۶-۱- آغاز این شیوه در قرن سوم و تعدادی از مشایخی که آن را
 روا داشته‌اند ۱۹۶
 ۲-۶-۲- ابوسعید ابوالخیر و جواز شاهدبازی ۱۹۷
 ۳-۶-۳ و ۱-۳-۶- احمد غزالی و تلاش او در توجیه شاهدبازی، نقد ابن جوزی
 بر او و نظر شیخ احمد در جمع شرایط عفاف در عشق مجازی ۱۹۷
 ۴-۶-۴ و ۱-۴-۶- روزبهان بقلی؛ پاکبختگی او در این شیوه و انتقاد بر او در
 جایز شمردن حضور شاهدان در مجلس سماع ۱۹۹
 ۷- نقد صوفیه بر شاهدبازی ۲۰۱

- ۱-۷- شیوة اوحدالدین کرمانی در شاهدبازی و نقد شیخ شهابالدین
 سهروردی و شمس تبریزی بر او ۲۰۳
 ۲-۷ تا ۳-۲- شیوة نظربازی سعدی با توجه به غزلها، قصاید، گلستان و
 بوستان او ۲۰۴
 ۳-۷- نقد ابوالمفاخر یحیی باخرزی و عزالدین محمود کاشانی بر فساد
 خانقاههای زمان خود و شاهد بازان زمانه ۲۰۷
 ۴-۷- فقر و منع ازدواج، دو عامل مهم شیوع فساد در خانقاهها ۲۰۸

فصل سوم : ولایت

- ۱- مدخل: اهمیت ولایت در تصوف و معنی لغوی و اصطلاحی آن ۲۰۹
 ۲- سیر مبحث ولایت در تصوف: حکیم ترمذی، نخستین نظریه پرداز ولایت در
 تصوف ۲۰۹
 ۱-۲- نقش ابن عربی در کمال این نظریه و مختصری از اعتقادات او در این
 باب ۲۱۱
 ۲-۲- نظریه انسان کامل، پیوستگی آن با مبحث ولایت، و سیر تاریخی آن از
 حلاج تا ابن عربی ۲۱۱
 ۳- ولایت در عرفان شیعی؛ و نزدیکی تصوف و تشیع در این نظریه ۲۱۲
 ۱-۳- شرح ولایت در عرفان شیعی از زبان شارح گلشن راز ۲۱۳
 ۴- مراتب اولیا: تقسیم این مراتب از زمان حکیم ترمذی به بعد و سخن احمد
 غزالی در مراتب اولیا ۲۱۴
 ۴-۱- تأثیر این تقسیم بندیها در عرفان شیعی ۲۱۵
 ۵- ولایت از نظر مولانا: سخن صوفیه در برتری جنبه ولایت نبی بر جنبه نبوت
 او و سوء تفاهم هایی که این بحث برانگیخته است ۲۱۶
 ۵-۱- انبیا و اولیا، واسطه های خدا و خلق ۲۱۷
 ۵-۲- وحدت گوهری اولیا در عین تعدد ظاهری ۲۱۷
 ۶- نقد صوفیه در مباحث مربوط به ولایت: سخن صوفیه در برتری جنبه ولایت
 نبی بر جنبه نبوت او و سوء تفاهم هایی که این بحث برانگیخته است ۲۱۸
 ۶-۱- نقد ابونصر سراج، مستملی بخاری و هجویری بر قائلان برتری ولی
 بر نبی ۲۱۸
 ۶-۲- اختلاف صوفیه در علم ولی بر ولایت خود، طاعت و معصیت ولی، و نفی
 تکلیف از اولیا ۲۱۹
 ۷- کرامات اولیا: معنی اصطلاحی کرامت و برپای جنگ کرامات در میان
 سلسله های صوفیه که از نشانه های انحطاط تصوف است ۲۲۰
 ۷-۱- تحلیلی از چگونگی وقوع کرامات و نقدی بر تلقی عوامانه از آن ... ۲۲۱

- ۲-۷- اختلاف مشایخ در لزوم کرامت برای ولی، نظر ملامتیان و تعدادی از بزرگان صوفیه در این باب ۲۲۲
- ۸- نقد مشایخ تصوف بر کرامت: سخن مشایخ نخستین ۲۲۲
- ۸-۱- نقد هجویری و خواجه عبدالله انصاری بر کرامات صوفیه ۲۲۳
- ۸-۲- تقسیمات پنجگانه کرامات از شیخ احمد جام ۲۲۳
- ۸-۳- نقد سنایی و مولانا بر کرامات فروشان ۲۲۴
- ۹- رابطه مرید و مراد: اهمیت آن در سلوک و توقعات دور از انتظار صوفیه از این اصل ۲۲۵
- ۹-۱- دلایل دهگانه احتیاج مرید سالک به شیخ به نقل از مرصادالعباد ۲۲۵
- ۹-۲- اوصاف ظاهری و باطنی مشایخ و تحقیق ناپذیری بسیاری از این اوصاف ۲۲۶
- ۹-۳- اوصاف مریدان صادق و تحقیق ناپذیری بسیاری از آنها ۲۲۷
- ۹-۴- پیروی کورکورانه مرید از شیخ، مهمترین اصل رابطه مرید - مرادی ۲۲۷
- ۹-۵- استناد صوفیان در اثبات این نوع رابطه به داستان موسی و خضر در قرآن کریم ۲۲۸
- ۱۰- نقد رابطه مرید و مراد در تصوف: خدشه پذیری و عدم روشمندی این نظریه با توجه به خطا پذیری سالکان در شناخت مشایخ حقیقی ... ۲۲۹
- ۱۱ تا ۳- نقد صوفیان بر مشایخ دروغین، با تکیه بر سخنان شیخ احمد جام، سنایی و مولانا بایبانی از مثنوی در همین باب ۲۳۱

فصل چهارم: مباحث پراکنده

- ۱- ایمان: معنی اصطلاحی، و اختلاف فقها و متکلمان در تعریف آن ۲۳۵
- ۱-۱- راه یافتن این اختلاف در میان صوفیه و نظر هجویری در این باب ... ۲۳۶
- ۲- توبه: معنی لغوی و اصطلاحی، و بیان مراتب آن ۲۳۶
- ۲-۱- اختلاف مشایخ در یادکرد یا به فراموشی سپردن گناهان پس از توبه ۲۳۷
- ۳- توکل: معنی لغوی و اصطلاحی، و بیان اهمیت آن در اسلام ۲۳۷
- ۳-۱- اهمیت توکل در تصوف، رابطه آن با توحید افعالی و بحث در ترجیح توکل بر جهد ۲۳۸
- ۳-۲- تمایز متوکلان و غیر متوکلان در عمل و تفسیری از معنای توکل ۲۳۹
- ۳-۳- سخنی از آن دسته از عارفان که توکل را منافی عمل نمی دانسته اند ... ۲۴۰
- ۳-۴ تا ۲-۴- نقد صوفیان بر یکدیگر در باب توکل، نقد تعدادی از مشایخ نخستین بر یکدیگر، نقد صوفیان همعصر رویم بر او، و نقد سعدی بر توکل منافی عمل ۲۴۱
- ۴- حال و مقام: معنی اصطلاحی ۲۴۳

- ۴-۱- اختلاف صوفیان در حال و مقام ۲۴۴
- ۵- رضا: معنی لغوی و اصطلاحی و اختلاف درجات اهل رضا ۲۴۴
- ۵-۱- اختلاف مشایخ در رضا و نقد آنان بر یکدیگر ۲۴۵
- ۶- سکر و صحو: تعریف اصطلاحی ۲۴۶
- ۶-۱- موضع پیروان مکتب عابدانه و مکتب عاشقانه تصوف ۲۴۶
- ۶-۲- نظر مولانا در ترجیح صحو و سکر بر یکدیگر ۲۴۷
- ۶-۳- نقد مشایخ تصوف بر یکدیگر: نقد بایزید بر ذوالنون و یحیی معاذ، نقد جنید بر حلاج و نقد سهروردی بر روزبهان بقلی ۲۴۸
- ۶-۴- اصالت کشش یا کوشش، از تبعات بحث صحو و سکر، و اختلاف مشایخ در آن ۲۴۹
- ۷- غیبت و حضور: معنی اصطلاحی ۲۵۰
- ۷-۱- اختلاف صوفیان در تقدم و تأخر این دو ۲۵۱
- ۸- فقر و غنا: معنی لغوی و اصطلاحی ۲۵۱
- ۸-۱- اختلاف مشایخ در ترجیح فقر و غنا ۲۵۲
- ۸-۲- اختلاف در برتری فقر و صفوت یا فقیر و مسکین بر یکدیگر ۲۵۳
- ۹- قبض و بسط: معنی اصطلاحی، و رابطه این بحث با دو مکتب عابدانه و عاشقانه تصوف ۲۵۴
- ۹-۱- اختلاف مشایخ در قبض و بسط و ترجیح یکی بر دیگری ۲۵۴
- ۱۰- هیبت و انس: معنی لغوی و اصطلاحی، اختلاف درجات سالکان در آن و رابطه این دو با تجلی جمالی و جلالی حق ۲۵۵
- ۱۰-۱- اختلاف مشایخ در ترجیح یکی بر دیگری و نقد هجویری بر کسانی که انس با پروردگار را ناممکن شمرده‌اند ۲۵۵

بخش سوم: نقد تصوف عملی

فصل اول: سماع

- ۱- مدخل: بحثی در قراردادی بودن تقسیم تصوف به دو بخش نظری و علمی ۲۵۹
- ۲- تعریف لغوی و اصطلاحی سماع ۲۵۹
- ۳- دلایل دل‌بستگی انسان به موسیقی: تأثیر فطری انسان ۲۶۰
- ۳-۱- سماع و موسیقی افلاک، تأثیر عقیده فیثاغورث بر اخوان الصفا ۲۶۱
- ۴- سابقه و اهمیت سماع در تصوف: رواج، و حمایت مکتب عاشقانه تصوف از آن ۲۶۲
- ۴-۱- سماع در کتب تعلیمی صوفیه و ذکر فواید آن از مصباح‌الهدایه ۲۶۳

- ۵- اختلاف در سماع: مخالفت اکثر فقهای اسلام با سماع و تأثیر اقوال آنان در صوفیان ۲۶۴
- ۵-۱- اختلاف مشایخ در سماع و انکار برخی از مشایخ صوفیه بر سماع .. ۲۶۵
- ۶- دفاع از سماع: استفاده صوفیان از آیات، احادیث و سنن؛ و تلاش محمد غزالی در مباح شمردن سماع ۲۶۶
- ۷- حدود و اقسام سماع: تلاش صوفیان در تحدید و تبیین انواع سماع به دلیل امکان وقوع انحراف در آن ۲۶۸
- ۷-۱- انواع رایج سماع در تاریخ تصوف: سماع مبتدیان، سماع رسمی و سماع عاشقانه ۲۶۹
- ۷-۲- نظر صوفیان در باره این انواع ۲۷۰
- ۷-۳- سخن برخی از مشایخ در باره شرایط مباح بودن سماع ۲۷۱
- ۷-۴- وجوه سماع به نقل از اورداد الاحباب ۲۷۱
- ۸- آداب سماع: سخنی در «رقص» و «تمزیق خرقه» ۲۷۲
- ۸-۱- انکار هجویری بر رقص صوفیان و مباح بودن آن از نظر محمد غزالی و سهروردی ۲۷۳
- ۸-۱-۱- شرایط مباح بودن رقص ۲۷۴
- ۸-۱-۲- سخن سعدی و مولانا در این باب ۲۷۵
- ۸-۲- «تمزیق خرقه» و احکام آن ۲۷۵
- ۸-۲-۱- تلاش صوفیان در مباح شمردن این رسم با استناد بر سنت رسول (ص) و صحابه ۲۷۶
- ۹- سماع عاشقان: شرح این نوع از سماع با تکیه بر اندیشه و رفتار ابوسعید ابوالخیر احمد غزالی و مولانا ۲۷۷
- ۹-۱- مختصری از احوال ابوسعید و یادی از مشایخ او ۲۷۸
- ۹-۱-۱- اخلاص؛ اساس تعالیم عرفانی ابوسعید ۲۷۸
- ۹-۱-۲- ابوسعید و سماع، که از نظر او نوعی عبادت شمرده می‌شد ۲۷۹
- ۹-۱-۳- مخالفت مشایخ همعصر ابوسعید با او در سماع، بانقل چند حکایت ۲۷۹
- ۹-۱-۴- تعالیم حلاجی ابوسعید و مروجان این تعالیم پس از مرگ او ۲۸۲
- ۹-۲- احمد غزالی و سخنان او در مباح دانستن سماع ۲۸۲
- ۹-۲-۱- اسرار حروف و آلات سماع، و رموز حرکات رقص از نظر احمد غزالی ۲۸۳
- ۹-۲-۲- اشتغال سماع بر ارکان پنجگانه اسلام از نظر شیخ احمد و یادی از مخالفان ۲۸۵
- ۹-۲-۳- شاگردان و پیروان احمد غزالی ۲۸۶

- ۳-۹- مولانا؛ سلطان بلامنازع سماع عاشقانه ۲۸۶
- ۱-۳-۹- استفاده گسترده مولانا از اصطلاحات و نام آلات موسیقی ۲۸۷
- ۲-۳-۹- اهمیت سماع در نزد مولانا و پیروان او، و شرح رموز سماع در مکتب مولانا ۲۸۹
- ۳-۳-۹- نقد مشایخ همعصر مولانا بر سماع بارگی او، با نقل چند حکایت ۲۹۰
- ۱-۱۰- نقد صوفیان در سماع: برخورد احتیاط آمیز مشایخ تصوف با سماع، و هشدارهای آنان به یکدیگر ۲۹۱
- ۱-۱۰- افراط برخی از صوفیان در سماع، بدون رعایت شرایط آن ۲۹۲
- ۱-۱۰ تا ۲-۱۰- نقد هجویری، شیخ احمد جام، عزیزالدین نسفی، علاءالدوله سمنانی، یحیی باخرزی و اوحدی مراغه‌ای بر سماع صوفی نمایان عصر ۲۹۳

فصل دوم : مباحث پراکنده

- ۱-۱- اباحه: معنی لغوی و اصطلاحی ۲۹۷
- ۱-۱- دلایل گرایشهای اباحیگری در فرهنگ تاریخی ما ۲۹۷
- ۲-۱- دلایل شیوع اباحیگری در عرفان اسلامی: ذومراتب بودن طریقت، وسیله دانستن آداب شریعت و نفی تکلیف در بیخودی ۲۹۸
- ۳-۱- به فرض توجیه پذیر بودن اباحیگری، ادعای رسیدن به حد نفی تکلیف، عملاً جز از عقلای مجانین و در حالات سکر سرزده است ۳۰۰
- ۴-۱- نقد صوفیان بر اباحتیان: نقد مشایخ نخستین ۳۰۰
- ۱-۴-۱- نقد هجویری بر اهل اباحت، که آنان را «ملاحده» نامیده است ... ۳۰۱
- ۲-۴-۱- نقد احمد جام بر اباحتیان و رد دلایل آنان در ترک طاعات ۳۰۱
- ۳-۴-۱- نقد امام محمد غزالی ۳۰۲
- ۴-۴-۱- نقد شمس تبریزی و مولانا بر اهل اباحت ۳۰۳
- ۲-۱- اکل صوفی: آداب صوفیه در طعام و شراب و دلایل افراط برخی از آنان در این امر ۳۰۴
- ۲-۱- تفاوت احوال صوفیان در اکل و شرب از نظر محمد غزالی و نقد وی بر لوت خواری برخی از صوفیه ۳۰۶
- ۲-۱-۱ تا ۴-۱-۲- نقد سنایی، شمس تبریزی، مولانا، سعدی و اوحدی مراغه‌ای بر صوفیان لوت خوار ۳۰۶
- ۳-۱- ترک علم: تصوف، پناهگاه سرخوردگان از علم و بحث ۳۱۰
- ۳-۱- شیوه معرفتی صوفیان و ابتدای آن بر معرفت قلبی ۳۱۰
- ۳-۲- تفاوت گوهری معرفت صوفیانه با معرفت کسبی و علمی ۳۱۲
- ۳-۲-۱- تعابیر مختلف صوفیه از علوم کسبی ۳۱۲

- ۲-۲-۲- دنیایی و غرورپرور شمردن علوم کسبی، مهمترین دلیل صوفیه در
 بی توجهی به اینگونه علوم ۳۱۳
- ۳-۳- افراط صوفیه در استخفاف علوم کسبی، بررغم مفید بودن دقت نظر آنان
 در چگونگی این علوم ۳۱۴
- ۴-۳- تا ۳-۴- نقد محمد بن خفیف، محمد غزالی و اوحدی مراغه‌ای بر
 صوفیان تارک علوم کسبی و مدعی معرفت کشفی ۳۱۶
- ۴-۴- خرقه پشمینه: رسم خرقه پوشی، نامها و قسمتهای مختلف جامه صوفیان ۳۱۸
 ۱-۴- سخنی در تاریخچه خرقه پوشی و تلاش صوفیه برای استناد این رسم به
 سنت رسول (ص) و صحابه ۳۱۹
- ۴-۱-۱- دلایل گرایش صوفیان به پوشیدن جامه پشمین، آیینی شدن این رسم و
 معانی رمزی یافتن انواع و رنگهای خرقه ۳۲۰
- ۴-۱-۲- مرقعه پوشی و استناد صوفیان در این رسم به سنت صحابه ۳۲۱
- ۴-۲- آلودگی خرقه و نقد صوف پوشان ناصافی ۳۲۲
- ۴-۲-۱- مخالفت اقشار مختلف با خرقه پوشی از آغاز رواج این رسم ۳۲۳
- ۴-۲-۲- نقد برخی از مشایخ بر خرقه پوشی و مبرادانستن تصوف حقیقی
 از اینگونه ظواهر ۳۲۴
- ۵- خلوت و صحبت: اختلاف در ترجیح یکی بر دیگری، رواج خلوت گزینی
 در میان صوفیان و بیان شرایط، فواید و حکمت خلوت ۳۲۶
- ۵-۱- اهمیت صحبت و اختلاط با خلق، و نفی رهبانیت در اسلام ۳۲۸
- ۵-۱-۱- آفات خلوت از نظر صوفیان: نظر محمد غزالی و ابونصر سراج .. ۳۲۹
- ۵-۲- ذکر اختلاف مشایخ تصوف در ترجیح خلوت و صحبت بر یکدیگر ۳۳۱
- ۶- دنیا طلبی: آفات دنیا از نظر صوفیان و دنیا گریزی صوفیان نخستین و
 صوفیان متأخر ۳۳۲
- ۶-۱- عشق الهی؛ مهمترین عامل دنیا ستیزی و عقبی گریزی صوفیان ۳۳۳
- ۶-۲- در افتادن برخی از صوفیان متأخر، به شیوه های مختلف، به دام دنیا. ۳۳۳
- ۶-۳- نقد صوفیان نخستین بر دنیا گرایی یکدیگر و تفاوت آن با نقدهای
 صوفیان متأخر ۳۳۴
- ۶-۳-۱- طرح مبحث جواز یا عدم جواز دنیا گرایی در میان صوفیان ۳۳۵
- ۶-۳-۲- نقد صوفیان متأخر؛ سنایی، عطار و اوحدی مراغه‌ای بر صوفیان دنیا گرا
 ۳۳۶
- ۷- ریا: بلای جوامع ایدئولوژیک، و مستمسک صوفیان مرائی ۳۳۷
- ۷-۱- طرد زهد فروشان و بیان اقسام ریای صوفیان از زبان محمد غزالی .. ۳۳۸
- ۷-۱-۱- نقد سعدی بر مرائیان ۳۳۸
- ۸- سفر: اهمیت آن در تصوف، انواع آن از نظر صوفیان و آیینی شدن آداب و

فهرست تفصیلی / ۱۹

۳۴۰	مناسک آن
۳۴۱	۱-۸- اختلاف مشایخ در لزوم سفر برای تهذیب نفس
۳۴۲	۹- کبر: تعریف، آفات و اسباب آن
۳۴۳	۹-۱- زمینه‌های بروز کبر در میان صوفیان
۳۴۴	۹-۱-۱- افزونی خانقاهها و فرقه‌گرایی صوفیان، عاملی مهم در شیوع کبر
۳۴۵	۹-۲- شیوع کبر در صوفیه متأخر و نقد سنایی، عطار و سعدی بر خودبزرگ‌بینی صوفیان
۳۴۷	۹-۳- دل‌بستگی مشایخ و صوفیان به حیثیت اجتماعی و خانقاهی
۳۴۷	۹-۳-۱- تندخویی و خرده‌گیری، از تبعات رابطه مشایخ با مریدان
۳۴۸	۹-۳-۲- بحثی در برخورد تندخویانه و خرده‌گیرانه مشایخ با مریدان با نظر به منطق‌الطیر
۳۴۹	۱۰- گدایی: دلایل گرایش صوفیان به این کار و انحراف این رسم توسط برخی صوفی‌نمایان
۳۵۰	۱۰-۱- اختلاف مشایخ در روایی و ناروایی گدایی و گرفتن صدقات
۳۵۱	۱۰-۲- افراط برخی از صوفیان در گدایی و بی‌کارگی و نقد هجویری، سنایی و مولانا بر آنان
۳۵۳	یادداشتها و مآخذ بخش اول
۳۷۵	یادداشتها و مآخذ بخش دوم
۴۰۲	یادداشتها و مآخذ بخش سوم

فهرست‌ها و کتابشناسی

۴۲۳	آیات و روایات
۴۲۹	اعلام (تاریخی و اسطوره‌ای) و گروه‌ها
۴۴۵	اعلام جغرافیایی
۴۴۹	مفاهیم نظام خانقاه و اصطلاحات
۴۵۵	کتابها، رساله‌ها و مقالات
۴۶۲	کتابشناسی گزیده منابع

پیشگفتار

عرفان، آدمی را به کاوش در ساحت اشراقی خود فرا می‌خواند که در کنار ساحت عقلانی، جزء جدایی‌ناپذیر انسانیت است. همچنان که عقلانیت با کشف قانونمندی‌های هستی، برخورداری بیشتر از مواهب طبیعت را به ارمغان می‌آورد، توجه به ساحت اشراقی، انسان را با خویشتن الهی خود آشناتر می‌کند. یکی از این دو ساحت وجودی، آدمی را به تکاپو، اقتدار و تسخیر طبیعت می‌کشاند و دیگری او را به آرامش، ایمان و یقین می‌خواند. انسانیت انسان در گرو تعادل این دو ساحت وجودی است.

در عصر سیمان و فلز که بشر، بیش از همیشه تاریخ، روی در کشف رازهای طبیعت دارد، به نظر می‌آید که ساحت اشراقی وجود او، بیش از همیشه، مغفول افتاده است. انسان امروز، نشسته بر مسند آقایی طبیعت، آسمان و دریا و کوه را به زیر یوغ خود کشیده است و تیر نظر را از چله کمان دانش به دورترها پرواز می‌دهد. تیر پرتابی او اینک چنان هوا گرفته است که کهکشان‌ها را نشانه می‌گیرد. اما این تیراندازِ دورانداز، هر لحظه از گنج وجود خود دورتر می‌افتد و با آنکه اسب همت سوی اختر تاخته است، آدم مسجود را نشناخته است.

صد هزاران فضل داند از علوم جان خود را می‌داند آن ظلوم...

جان جمله علم‌ها این است این که بدانی من کی‌ام در یوم دین

(مثنوی، ۲۶۴۸/۳ و ۲۶۵۴)

نیاز به صیقل ساحت اشراقی وجود انسان، در دنیای پر از دحام معاصر، بیش از پیش احساس می‌شود. ضرورت پاسخ به همین نیاز است که پژوهش‌هایی از نوع نگارش حاضر را در دنیای امروز توجیه می‌کند. نه آخر آنکه صوفیان، قرن‌ها در گوش ما خوانده‌اند که اصحاب طریقت، سلوک الی الله را از خودشناسی آغاز می‌کنند: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؟

حدّ اعیان و عرض دانسته گیر حدّ خود را دان که نبود زان گزیر

چون بدانی حدّ خود زان حد گزیر تا به بی‌حدی رسی ای خاکبیز

(مثنوی، ۵۶۴/۵ و ۵۶۵)

از همین سخن کوتاه به روشنی پیدا است که مراد ما در «نقد» تصوف، «شناخت» روشن تر آن است نه صرفاً بیان ایرادها و انگشت نهادن بر کاستی هایی که احیاناً در تاریخ تصوف به دید می آید. نقد در اینجا دقیقاً به معنی جدا کردن سره از ناسره است.

برغم جهان شمولی اندیشه های عرفانی، که نه از روم و نه از زنگ است و همان بی رنگی بی رنگ است، تصوف از شکل های ظهور اجتماعی این اندیشه محسوب می شود که در سرزمین های اسلامی، و بویژه در ایران، طی قرن ها جلوه گری کرده است. بی گمان آنچه عرفان اسلامی - ایرانی خوانده می شود، در تعلیم قرآنی، سخنان و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) و صحابه ریشه دارد. شباهت هایی که میان این نحله معرفتی با اندیشه های ایرانی، هندی، یونانی باستان، و هر جای دیگر عالم دیده می شود، همانا به حکم کلیات مشترک معرفت اشراقی در همه جهان است. این سخن اگرچه راه مراوده عرفان اسلامی - ایرانی را با شیوه های دیگری از این دست، باز می گذارد، به هیچ روی خدشه ای در استقلال عرفان اسلامی - ایرانی نمی افکند.

تصوف به عنوان یک حرکت اجتماعی، از قرن دوم هجری در سرزمین های اسلامی ریشه می گیرد و در قرن هفتم برگ و بار می یابد. همین نکته مهمترین توجیه مادر بررسی و نقد تصوف تا اواخر قرن هفتم هجری است. تصوف در ایران امروز، البته دیگر آن نقش پر آب و رنگ گذشته را ندارد، اما افکار صوفیانه، خوب یا بد، در رگ و ریشه شخصیت تاریخی و فرهنگی ما دویده و اندیشه های عارفان در ما به سنگینی رسوب کرده است. بی گمان اگر ژرف بنگریم، در امیدها و ناامیدی ها، عشق ها و نفرت ها، شادی ها و غم ها، آرزوها و خیال ها، گریزها و گرایش ها، و در ذهن و زبان و رفتار خود و جامعه خود، جای پای آشکار و پنهان اندیشه های صوفیانه را خواهیم یافت. از این روست که با هر کوششی در شناخت بهتر تصوف، در حقیقت گامی به شناخت خود نزدیک تر می شویم. شاید آگاهی از همین نکته بوده است که محققان بسیاری را در عصر ما، به شیوه های گوناگون، به بررسی، تحلیل و نقد تصوف واداشته است. تعدد جالب توجه این گونه آثار که در یادداشت های مفصل کتاب آمده است و همچنین کتاب شناسی مبسوطی که در پایان آرایه کزده ایم، در عین آنکه نشان دهنده وامی هنگفت بر ذمه نگارنده است، ما را از شرح و بسط در معرفی ادبیات تحقیق بی نیاز می کند.

با این همه اگرچه در معرفی و نقد تصوف، پژوهش های پربزرگ و بار، بسیار به هم رسیده است، عموم پژوهشگران، تصوف را در آینه بینش خود دیده و از ظن خود یار آن شده اند. نگارنده در این تحقیق کوشیده است تا پنجره ای از درون تصوف به روی آن بگشاید و به حکم أَهْلُ الْبَيْتِ أَدْرَى بِمَا فِي الْبَيْتِ، از منظر خود صوفیه به بررسی و نقد تصوف بپردازد. صوفیان خود بیشتر و بیشتر از دیگران، نقد تصوف را عیار سنجی کرده و

به ارزیابی غث و سمین متاع این بازار، همت گماشته‌اند. چنانکه در خلال این اثر بتحقیق آشکار خواهد شد، در هیچ دوری از ادوار نبوده است که صوفیان گفتار و رفتار هم‌مسلمان خود را به دیده نقادی ندیده و در تطهیر و تهذیب یکدیگر نکوشیده باشند. گسترش دامنه «انتقاد از خود» در میان صوفیان نشان می‌دهد که بزرگان صوفیه با نگاهی آسیب‌شناسانه، آفات تصوف را به روشنی می‌دیده‌اند و هیچ غباری را بر آینه عرفان ناب بر نمی‌تافته‌اند. اینان مصداق سخن شیخ اجل بوده‌اند که:

هیچ کس بی‌دامنی تر نیست لیکن پیش خلق باز می‌پوشند و ما بر آفتاب افکنده‌ایم
(کلیات سعدی، ص ۱۰۲۰)

نگارنده برغم تلاش بسیار خود در ارایه نگاهی درونی بر تصوف، از بیان این اعتراف ناگزیر است که گاه در تحلیل پاره‌های گوناگون این اثر، به جولان دیدگاه خود نیز میدان داده است. در تحلیل، معماری متن، طبقه‌بندی موضوعات و بویژه گزینشی بودن منابع، خواه و ناخواه، نگاه بیرونی نیز در میان می‌آمده است. باور این نکته بسیار دشوار به نظر می‌رسد که پژوهشگر، در یک تحقیق تحلیلی، بتواند درهای بیرونی را به تمامی بر روی خود ببندد و یکسره در مرکز دایره موضوع بنشیند.

در بخش‌های سه‌گانه این تحقیق، در ارایه دیدی تاریخی از عرصه‌های نظری و عملی تصوف کوشیده‌ایم. از این میان بخش نخست با عنوان «از ریشه‌ها تا شاخه‌ها» خود به سه فصل تقسیم شده است. در نخستین فصل، به اختصار تمام و با نظری انتقادی، از «پیدایش و سیر تصوف تا قرن هفتم» سخن می‌رود که خود می‌تواند شمایی اجمالی از تمامی اثر باشد. فصل دوم، در ابتدا با تکیه بر نظر فقهای اهل سنت و شیعی مذهب، به بررسی و نقد بیرونی تصوف می‌پردازد و سپس به ترتیب سیر تاریخی، از انتقادات مشایخ تصوف بر یکدیگر و نقد صوفیه بر جریان تصوف زمانه خود، پرده برمی‌دارد. در نهایت، فصل سوم از بخش اول به معرفی «مکتب‌ها و سلسله‌های تصوف» اختصاص یافته و البته در این فصل نیز سیر تاریخی بحث، پیوسته در نظر بوده است.

در بخش‌های دوم و سوم، که دربرگیرنده مهمترین مباحث این تحقیق خواهند بود، سخن در «نقد تصوف نظری» و «نقد تصوف عملی» است. البته در جای خود به این نکته اشارت کرده‌ایم که تقسیم تصوف به دو عرصه نظری و عملی، تنها برای سهولت ورود در مباحث و لازمه تحلیل و تفهیم و تفاهم است، اگر نه تصوف، حقیقت واحدی است که در آن نظر و عمل در هم تنیده می‌شود و تصور خط فاصلی که بتواند به راستی آن را به دو پاره نظری و عملی تقسیم کند، دور از واقع‌نگری است.

بخش دوم خود به چهار فصل تقسیم شده است و در آنها به ترتیب «توحید»، «عشق» و «ولایت» از نظرگاه صوفیه بررسی و نقد و تحلیل می‌شود. از دید نگارنده در حقیقت

اساس عرفان و تصوف اسلامی - ایرانی، بر همین پایه‌های سه گانه استوار است و به همین دلیل تفصیل نسبی این فصول در تحقیق ما توجیه می‌پذیرد. فصل چهارم از بخش دوم به نحو گزینشی به بررسی برخی مباحث پراکنده اختصاص می‌یابد که صوفیان در تعریف، یا تعیین حدود و شرایط آنها با یکدیگر همداستان نبوده‌اند.

آخرین بخش تحقیق به دو فصل «سماع» و «مباحث پراکنده» تقسیم می‌شود. از این میان، سماع خود به دلیل گستردگی مباحث و چند و چون سیر تاریخی‌اش، می‌توانست رساله‌ای جداگانه باشد. نگارنده کوشیده است به ضرورت رعایت اختصار، تنها اندکی از بسیار را به قلم آورد. در مباحث پراکنده این بخش نیز به روش گزینشی به بررسی ده موضوع پرداخته شده است.

این تحقیق در اصل پایان‌نامه دوره دکتری اینجانب در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بود که در سال ۱۳۷۵ به سرانجام رسید. البته این قلم در طی چند سال اخیر، متن پایان‌نامه را چند بار بازبینی و حک و اصلاح کرد تا آن را برای چاپ و نشر آماده کند. حضرت استاد دکتر علی شیخ‌الاسلامی در سال‌های تحقیق، راهنمایی پایان‌نامه را به عهده گرفتند و نگارنده را رهین منت خود کردند. بینش عرفانی عمیق و آگاهی دقیق و پر دامنه حضرت ایشان بر جای جای این تحقیق، سایه‌ای پهن و پربرکت گسترده است. استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان، با دقت نظر بی‌مانند و احاطه کم‌نظیری که بر متون صوفیه و اندیشه‌های عرفانی دارند، از هیچ گونه ارشاد دریغ نفرمودند. استاد محترم جناب آقای دکتر مظاهر مصفا نیز در مقام مشاوره این پایان‌نامه منتهی مضاعف بر گردنم نهاده‌اند. مدیرعامل شرکت انتشارات روزنه، که امکان طبع این تحقیق را فراهم کرده‌اند نیز سپاسگزارم.

در پایان امید می‌برم که خوانندگان ارجمند، کاستی‌ها و ناراستی‌های این تحقیق را به دیده اغماض نبینند و نگارنده را از نظرات اصلاحی خود بی‌نصیب نگذارند.

والحمد لله اولاً و آخراً

تابستان ۱۳۷۹

محمد کاظم یوسف‌پور

بخش اول:

از ریشه‌ها تا شاخه‌ها

فصل اول: پیدایش و سیر تصوف تا قرن هفتم

۱- عرفان یکی از گرایشهای معنوی نوع انسان است که همواره او را به سوی تعمق، تفکر و تلطیف عواطف، متمایل کرده است. برای برخی از ویژگیهای انسان نمی توان نقطه آغازی تعیین کرد؛ گرایش به دین، هنر، دانش و حکمت، بالاخره عرفان از جمله این ویژگیهاست. از این رو اینکه عرفان، کی و از کجا آغاز شده است، پرسشی بیهوده به نظر می رسد. در واقع، عرفان خورشیدی است که از صبح آفرینش انسان در آسمان فطرت او برآمده و بر حیات او پرتو افکنده است. در هر زمان و هر جایی که جامعه انسانی شکل گرفته است می توان از گرایشهای معنوی و عرفانی سراغ گرفت. این گرایشها، بویژه هر وقت که تلخیها و سختیها، جامعه انسانی را در تنگنا قرار می دهد، جلوه ای آشکارتر می یابد. در باره تصوف اما، که یک گرایش و سازمان اجتماعی است، می توان از نقطه آغاز پرسید. تصوف با همه فراز و نشیبهای خود، یکی از جلوه های عرفان است و البته از جلوه هایی که سایه ای بس بلند یافته است. بدین گونه پیداست که از پیدایش «تصوف» سخن گفتن، به معنای تعیین نقطه آغازی تاریخی برای «عرفان» نیست. تصوف، چون هر جریان اجتماعی دیگر آغازی تاریخی دارد و در تکوین آن از میان عوامل متعدد، البته انگیزه های دینی، اجتماعی و سیاسی، نقشی مؤثرتر و آشکارتر ایفا می کند.

در جهان اسلام خاستگاه اصلی تصوف را باید در اعتراض گروهی از مؤمنان دلسوخته جستجو کرد که پس از دوران طلایی صدر اسلام، شاهد گرایش مسلمین به تجمل، دنیاطلبی و آلودگیهای ناشی از آن بودند. فتوحات مسلمین که از زمان خلیفه دوم - عمر - آغاز شده بود، پس از گذشت کمتر از یک سده، سرزمینهای وسیعی را به حیطه تصرف اسلام کشانید و به همراه آن ثروت سرشاری را به خزانه بیت المال سرازیر کرد. پس از دوران خلفای راشدین، خلافت در دست اولاد ابوسفیان - بنی امیه - موروثی شد و در واقع به نام خلافت، پایه های سلطنت استحکام یافت. پادشاهان نوکیسه شام، به نام خلیفه رسول الله (ص)، بر رغم شعار و تعلیم اسلام که منادی برابری انسانی و برتری انسان به محک و معیار تقوی بود^۱، به تجدید گرایشهای قومی و نژادی پیش از اسلام

پرداختند و ندای برتری عرب بر غیر عرب - عجم - را سردادند. با گسترش زندگی اشرافی که از کاخ سبز^۲ ریشه گرفته بود و غیر از وابستگان آن دستگاه رفته رفته دامن سایر مسلمین مرفه را نیز می‌آلود، دیگر از ساده‌زیستی پیامبر اسلام (ص)، صحابه و اصحاب صفه، خاطره‌ای گنگ اما شیرین باقی مانده بود. واکنش این رویکرد افسار گسیخته به دنیا، مبارزه منفی کسانی بود که دل در گرو خاطرات خوش صدر اسلام داشتند. بارزترین شکل این واکنش، تزهّد و تقشف، و سختگیری و سخت‌زیستی گروهی از مسلمانان معترض و دردمند بود. اینان با تجدید خاطره سخت‌زیستی و تزهّد اصحاب صفه و با تکرار و تلقین آیات عذاب، که ریشه خوف از آخرت را در دلها استوار می‌کرد بود، جانب تفریط را گرفته، یکسره از دنیا و تعلقات آن روی گردان شدند. پوشش ساده و خشن، روزه بسیار، خوراک اندک و ارزان، نماز و تهجد و در یک کلمه «ریاضت و عبادت»، اساس زندگی این زاهدان را تشکیل می‌داد. این نهضت که از سوریه و عراق نشأ کرده بود، بزودی به تمام دنیای اسلام سرایت کرد و بیش از همه جاد در خراسان که در نیمه اول سده دوم ق، کانون دسایس و تحریکات ضد امویان بود، با حسن استقبال عامه مواجه شد.^۳

۱-۱- پیشروان این نهضت ضد اشرافی، زاهدان دنیا گریز و عابدان آخرت جویی بودند که در آغاز به هیچ‌گونه، سامان و سازمان خاصی نداشتند و به نام صوفی و عارف نیز شناخته نبودند. گه گاه برخی از زهاد با تنی چند از مریدان خود در شهرها می‌گشتند و اعتقاد خود را در میان مردم، منتشر می‌کردند.^۴ بدون اینکه تشکل خاصی اینان را از عامه مسلمین جدا کند، در این زمان، تفاوت این گروه با مردم دیگر در نوع ادراک آنان از دین، اشتغال فراوان به ذکر و ریاضت، و تفاوت گذاشتن و سواس آمیز بین حلال و حرام بود، که خود از خوف بسیارشان از قیامت ناشی می‌شد.^۵ رفته رفته با گسترش دنیاگرایی، تلاش این دنیا ستیزان نیز فزونی گرفت و از قرن دوم هجری قمری بود که نام صوفی و متصوفه به گروه خاصی از مردم اطلاق گردید.^۶ ابن خلدون در صفحه ۹۶۸ از جلد دوم مقدمه مشهور خود چنین می‌گوید:

این دانش از علوم شرعی جدید در ملت اسلام است و اساس آن این است که طریقه این گروه همواره در نزد سلف امت و بزرگان صحابه و تابعان و آنان که پس از ایشان بوده‌اند، شیوه حق هدایت شمرده می‌شده است و اصل آن ملازم شدن و روی آوردن به عبادت و جز توجه به خدای تعالی از همه بریدن و اعراض از هر چه عموم بدان روی می‌آورند مانند: لذت و مال و جاه و دوری از خلق و پناه بردن به کنج خلوت برای عبادت است. و این شیوه میان صحابه و سلف، عمومیت داشت ولی همینکه در قرن دوم و پس از آن، روی آوردن به دنیا شیوع یافت و مردم به آلودگی به دنیا مایل

شدند کسانی که روی به عبادت آورده بودند به نام صوفی و متصوفه اختصاص یافتند. ابوالقاسم قشیری نیز در صفحات ۲۴ و ۲۵ از رساله قشیری، ضمن بیان سیر اجمالی جامعه مسلمانان تا پیدایش متصوفه بر همین قول است:

مسلمانان پس از رسول (ص) نام نکردند اندر زمانه خویش فاضلترین ایشان را به نام غلم، جز صحبت رسول (ص)؛ از بهر آنکه هیچ نام نبود فاضلتر از آنکه ایشان را اصحاب رسول (ص) خواندند، و چون اهل عصر ثانی اندر رسیدند، آن را که با صحابه صحبت کرده بودند تابعین نام کردند و آن بزرگترین نامی دیدند. پس آنکه از ایشان آمدند اتباع التابعین خواندند. پس این مردمان مختلف شدند و رتبه‌ها جدا باز شد، پس آن را که ایشان خاص بودند و عنایت ایشان به کار دین، بزرگ بود، ایشان را زهاد و عبّاد خواندند. پس بدعتها ظاهر شد و دعوی کردن پیدا آمد با طریق، هر کسی از هر قومی دعوی کرد که اندر میان ایشان زاهدانند و خاصگان اهل سنت جدا شدند و آنکه ایشان انقاس خویش مشغول نکردند بدون خدای - عزّ و جلّ - و نگاهداران دل‌های خویش از غفلت به نام تصوف این نام بر ایشان برفت و به این نام شهره گشتند این بزرگان، پیش از آنکه سال بر دو یست کشید از هجرت.

بر رغم مطالب گذشته که قولیست که جملگی برآنند، عین القضاة همدانی معتقد است که لفظ صوفی در قرن سوم شهرت یافته و اول کسی که در بغداد بدین نام خوانده شده «عبدک صوفی» است، که وی را از بزرگان مشایخ می‌شمارد.

۱-۲- البته برخی از صوفیه سابقه لفظ صوفی را از قرن دوم نیز دورتر می‌برند و دامنه آن را تا پیش از اسلام نیز می‌کشانند. از جمله نظر ابونصر سراج، که مورد تأیید ابن الجوزی، زمخشری و فیروزآبادی نیز هست؛ با استناد بر تاریخ مکه، تألیف محمد بن اسحاق بن یسار، و منابع دیگر می‌گوید: «در روزگار گذشته، ایامی بود که همه مردم مکه از شهر بیرون می‌رفتند و هیچ کس برای طواف کعبه باقی نمی‌ماند؛ در این ایام، مردی صوفی از راه دور می‌آمد و به رسم معهود به طواف کعبه می‌پرداخت.» در صورت درستی این روایت، به نظر سراج، مسلم می‌شود که کلمه صوفی پیش از ظهور اسلام، رایج بوده و بر کسانی که اهل تقوی و صاحب فضیلت بوده‌اند اطلاق می‌شده است.^۸

۱-۳- جز سابقه رواج لفظ صوفی، افراط در سابقه برخی آداب تصوف، از جمله خرقه‌پوشی و رنگ سیاه خرقه، تازمانهای بسیار دور و حتی پیش از آن کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند، نیز برده شده است. از جمله ابوالمفاخر یحیی باخرزی در خبری از ابن عباس روایت می‌کند که جبرئیل یک وقت بر پیامبر (ص) با جامه موین ظاهر شد و فایده این جامه را در مذلت نفس و اظهار عبودیت می‌داند^۹ و در جای دیگر می‌گوید که فرشته وحی بر آدم (ع) نیز در همین جامه متمثل شده بوده است: